



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Feasibility Study of Identifying the Third Sex for Transsexual Persons

Sajad Bagherzadeh¹, Mahmoud Abbasi^{2*}, Hossein Sharifi Tarazkoochi³

1. PhD Student in Public International Law, Department of Public and International Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor of Medical Law, Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3. Retired Professor of Law, Faculty of Law, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Although in most countries, transsexual persons are categorized as patients with mental disorders due to the mismatch between their sexual identity and their gender identity and in many countries the right to sex change for transsexual persons is not recognized or in practice faces various obstacles, but the Islamic Republic of Iran for decades, according to the jurisprudential fatwas on the permission of sex change have been considered as one of the pioneering and leading countries in this area of human rights, however, according to new findings from the World Health Organization, transsexualism is no longer considered a mental disorder and this article considers the necessity of discourse based on the new findings, evaluates the scientific, jurisprudential, international human rights system and domestic law perspectives in order to assess the possibility of identifying the third sex in domestic law in order to deepen the country's pioneering in this area of human rights.

Method: The research method is descriptive-analytical and the data collection method is library resources and other available resources.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: According to the decision of the World Health Organization, being transsexual is no longer considered a mental disorder and instead of being classified as a "mental illnesses", it is included in the category of "sexual health status". In recent years. Some countries have recognized the third sex of transsexual persons. In domestic law, the third sex is not recognized for transsexual persons, however, jurisprudential scholars such as Ayatollah Meshkini have advocated the recognition of the third sex for the transsexuals.

Conclusion: According to the scientific findings of the World Health Organization and in terms of the undeniable impact of international law and the international human rights system on domestic law and the slow but growing desire of States to recognize the third sex and aware of the potential of dynamic Shiite jurisprudence, including Ayatollah Meshkini fatwa, in the position of a pioneer country, new topics of legal jurisprudential studies should be started from now on in relation to the various dimensions of identifying the third sex for transgender persons in terms of its socio-cultural pathology.

Keywords: Transsexual; International Human Rights System; World Health Organization; Independent Gender Identity; Third Gender; Identification

Corresponding Author: Mahmoud Abbasi; **Email:** dr.abbasi@sbmu.ac.ir

Received: January 07, 2022; **Accepted:** June 02, 2022; **Published Online:** October 06, 2022

Please cite this article as:

Bagherzadeh S, Abbasi M, Sharifi Tarazkoochi H. Feasibility Study of Identifying the Third Sex for Transsexual Persons. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e44.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



امکان سنجی شناسایی جنسیت سوم برای اشخاص تراجنسیتی

سجاد باقرزاده^۱، محمود عباسی^{۲*}، حسین شریفی طرازکوهی^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه حقوق پزشکی، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. استاد بازنشسته گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: علیرغم اینکه هم‌اکنون در اکثر کشورها، اشخاص تراجنسیتی بلحاظ عدم تطابق میان هویت جنسی و هویت جنسیتی خویش در زمره بیماران دارای اختلال روانی دسته‌بندی می‌گردند و حق تغییر جنسیت برای آنان در بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته نشده و یا عملاً با موانع مختلف مواجه است، اما جمهوری اسلامی ایران از دهه‌ها پیش طبق فتاوی فقهی در زمینه عدم حرمت تغییر جنسیت به عنوان یکی از کشورهای پیشگام و سرآمد در این حوزه از حقوق بشر اشخاص تراجنسیتی قلمداد می‌گردد. با این حال، به عقیده سازمان جهانی بهداشت، دیگر تراجنسیتی‌بودن بیماری اختلال روانی تلقی نمی‌گردد. این مقاله به لحاظ ضرورت گفتمان‌سازی مبتنی بر یافته‌های جدید، با ارزیابی دیدگاه‌های علمی، فقهی، حقوق داخلی و نظام بین‌المللی حقوق بشر به دنبال امکان‌سنجی شناسایی جنسیت سوم در حقوق داخلی در راستای تعمیم بخشی به پیشگامی کشور در این حوزه از حقوق بشر برآمده است.

روش: روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و سایر منابع در دسترس صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در انجام تمامی مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری به همراه حفظ اصالت متون رعایت شده است.

یافته‌ها: به موجب تصمیم سازمان جهانی بهداشت، دیگر ترنس‌بودن به عنوان بیماری اختلال روانی تلقی نمی‌شود و به جای قرارگرفتن در دسته «بیماری‌های روانی» در دسته «وضعیت سلامت جنسی» قرار گرفته است. طی سال‌های اخیر نیز چندین کشور جنسیت سوم را برای اشخاص تراجنسیتی به رسمیت شناخته‌اند. علیرغم عدم شناسایی جنسیت سوم در حقوق داخلی، از لحاظ فقهی علمایی همچون آیت‌ا... مشکینی از شناسایی جنسیت سوم برای خنثی‌ها دفاع نموده‌اند.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های علمی سازمان جهانی بهداشت و با لحاظ تأثیر انکارناپذیر حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی حقوق بشر بر حقوق داخلی و تمایل ولو آهسته، ولیکن رو به تزاید دولت‌ها در شناسایی جنسیت سوم و با آگاهی از ظرفیت‌های موجود در فقه پویای شیعه از جمله فتاوی آیت‌ا... مشکینی، به نظر در موقعیت کشوری پیشگام از هم‌اکنون می‌بایست سرفصل‌های جدیدی از مطالعات فقهی حقوقی در رابطه با ابعاد مختلف شناسایی جنسیت سوم برای اشخاص تراجنسیتی را با لحاظ آسیب‌شناسی فرهنگی - اجتماعی آن آغاز نمود.

واژگان کلیدی: تراجنسیتی (ترنس)؛ نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ سازمان جهانی بهداشت؛ هویت جنسیتی مستقل؛ جنسیت سوم؛ شناسایی

نویسنده مسئول: محمود عباسی؛ پست الکترونیک: dr.abbasi@sbmu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۱۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Bagherzadeh S, Abbasi M, Sharifi Tarazkoochi H. Feasibility Study of Identifying the Third Sex for Transsexual Persons. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e44.

مقدمه

اگرچه هم‌اکنون در اکثر کشورها اشخاص تراجنسیتی بلحاظ عدم تطابق هویت جنسی خویش با هویت جنسیتی در زمره بیماران اختلال روانی دسته‌بندی گردیده‌اند و طبق تعریف رایج، تراجنسیتی در اصطلاح به شخصی گفته می‌شود که از اختلال «آشفته‌گی جنسیتی» یا «ملال جنسیتی» (Gender Dysphoria) رنج می‌برد، به طوری که جسم این افراد به زندانی برای روان آن‌ها تبدیل گردیده و همواره در تلاش برای انجام عمل تغییر جنس هستند تا جسم و روان خود را با یکدیگر منطبق نموده و به آرامش برسند. با این حال، اوایل سال ۲۰۱۹ طبق عقیده سازمان جهانی بهداشت، تلقی تراجنسیتی‌ها به عنوان بیماران اختلال روانی نادرست تشخیص داده شد که به موجب تصمیم تاریخی مطابق نسخه ۱۱ دستورالعمل تشخیصی سازمان جهانی بهداشت در طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌های آینده، دیگر ترنس‌بودن به عنوان یک بیماری اختلال روانی در نظر گرفته نمی‌شود و این تغییر از اول ژانویه ۲۰۲۲ به صورت رسمی و قانونی اجرایی گردید (۱).

بر این اساس و با توجه به اینکه مثلاً یک مرد تراجنسیتی هویت جنسی زنانه و هویت جنسیتی مردانه دارد، آیا می‌توان در این وضعیت قائل به هویت جنسیتی مستقل (جنسیت سوم) گردید؟ به عبارتی دیگر، با توجه به اینکه نقش‌های جنسیتی، نقش‌هایی است که مردان و زنان جامعه برای شناساندن خود به منزله یک مرد و یا زن انجام می‌دهند و فرهنگ آن جامعه این رفتارها، نگرش‌ها و انگیزه‌ها را برای مردان و زنان شایسته و مناسب دانسته و آن‌ها را تشویق می‌کند و انتظار دارد هر جنس، نقش‌های مرتبط را انجام دهد و تفاوت در نقش‌های جنسیتی یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تجربه زیسته در میان مردان و زنان است که در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد و تقسیم در نقش‌های جنسیتی از دوران کودکی و در مرحله جامعه‌پذیری آغاز و در همه عرصه‌های زندگی نمود می‌یابد (۲). با این حال، هویت جنسیتی و نقش‌های جنسیتی (رفتارهای جنسیتی) اشخاص

تراجنسیتی نسبت به سایر زنان و مردان چه وجوه افتراقی دارد که مسأله شناسایی جنسیت سوم را مطرح می‌نماید؟

روش

روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و سایر منابع در دسترس صورت گرفته است.

یافته‌ها

به موجب تصمیم سازمان جهانی بهداشت، دیگر ترنس‌بودن به عنوان بیماری اختلال روانی تلقی نمی‌شود و به جای قرارگرفتن در دسته «بیماری‌های روانی» در دسته «وضعیت سلامت جنسی» قرار گرفته است. طی سال‌های اخیر نیز چندین کشور جنسیت سوم را برای اشخاص تراجنسیتی به رسمیت شناخته‌اند. علیرغم عدم شناسایی جنسیت سوم در حقوق داخلی، از لحاظ فقهی علمایی همچون آیت‌ا... مشکینی از شناسایی جنسیت سوم برای خنثی‌ها دفاع نموده‌اند.

بحث

در جهت بررسی امکان شناسایی جنسیت سوم، ابتدا به مفهوم تراجنسیتی می‌پردازیم.

۱. **مفهوم تراجنسیتی:** در زبان انگلیسی برای تعریف واژه تراجنسیتی (Transsexual) آمده است: «مربوط به، یا بودن به عنوان شخصی که هویت جنسیتی وی مخالف جنسی است که او داشته یا در بدو تولد با آن جنس شناخته شده است» (۳). با توجه به تعریف بیان‌شده از تراجنسیتی، سه واژه مشتمل بر ۱- جنس (Sex)؛ ۲- جنسیت (Gender)؛ ۳- رفتار جنسیتی به دست می‌آید که واژه سوم از عبارت «جنسی که در بدو تولد با آن جنس شناخته شده است»، قابل استنتاج است. هر سه واژه کاملاً از یکدیگر متمایز و هر کدام دارای مفهوم و بار معنایی خاص خود هستند. این در حالیست که واژه جنسیت در فرهنگ عامه اغلب به تنهایی دلالت بر جنس، جنسیت و رفتار جنسیتی (توأم با یکدیگر) داشته (۴) و هر

وجود دارد که موجب تمایز وی از دیگر ابنای بشر اعم از زن و مرد (به طور عام) و از دیگر اقسام ترنسجندرها (به طور خاص) می‌گردد.

۲. چگونگی شناسایی تراجنسیتی‌ها: با توجه به اینکه تراجنسیتی‌ها (ترنس‌ها) زیرمجموعه‌ای از ترنسجندرها (Transgender) هستند، لذا قبل از بحث درباره چگونگی شناسایی یک فرد تراجنسیتی، لازم است به وجه تمایز میان دو اصطلاح ترنسجندر و ترنسکشوال (تراجنسیتی) پرداخت، چراکه غالباً این دو عنوان همچون مفهوم هویت جنسی و هویت جنسیتی در میان عموم افراد جامعه و حتی در میان نویسندگان حقوقی بطور نادرست مورد استعمال و عموماً این دو واژه به جای یکدیگر به کار گرفته می‌شوند (۷). حال آنکه «ترنسجندر» با «ترنسکشوال» رابطه عام و خاص مطلق دارد، به همین خاطر هر شخص ترنسکشوال (تراجنسیتی) به طور حتم در دسته‌بندی ترنسجندر قرار می‌گیرد، اما هر شخص ترنسجندری را نمی‌توان ترنسکشوال تلقی نمود، چراکه اصطلاح ترنسجندر، مفهومی عام و دربردارنده گروه‌هایی نظیر تراجنسیتی‌ها (Transsexual)، مبدل‌پوشان (Transvestite)، همجنس‌گرایان مرد (Gay)، همجنس‌گرایان زن (Lesbian)، دوجنس‌گرایان (Bisexual) و... می‌باشد، با این حال تفاوت‌های اساسی میان وضعیت اشخاص تراجنسیتی با سایر انسان‌ها و گروه‌ها وجود دارد.

۱-۲. شناسایی عام تراجنسیتی‌ها: با مقایسه وضعیت هویت جنسیتی با هویت جنسیتی و رفتار جنسیتی می‌توان به تراجنسیتی‌بودن یا نبودن فرد پی برد. به عبارتی دیگر شناسایی هر شخص تراجنسیتی مستلزم احراز دو خصوصیت ذیل است:

۱-۱-۲. مخالفت هویت جنسیتی با هویت جنسی: در بین کسانی که جنسیت (Gender) و تمایلات جنسی (Sexuality) را مورد مطالعه قرار می‌دهند، ترسیم روشنی از هویت جنسی و هویت جنسیتی انجام می‌شود. هویت جنسی به عنوان اصطلاحی مناسب‌تر برای اشکال بیولوژیکی و هویت جنسیتی، محدود به معانی آن مشتمل بر خصوصیت‌های رفتاری،

سه مفهوم را تحت پوشش قرار می‌دهد تا این حد که دو اصطلاح هویت جنسی و هویت جنسیتی حتی در ادبیات علمی و فنی هم اغلب به جای یکدیگر به کار گرفته می‌شود. حال آنکه مفهوم سه واژه جنس (تشخیص افراد براساس اندام جنسی‌شان)، جنسیت (تشخیص افراد بر اساس باور ذهنی‌شان) و رفتار جنسیتی (برداشت‌های مکتسبه عموم جامعه از بایستگی اعمال زن یا مرد می‌باشد که به مؤلفه‌های زمانی، فرهنگی و مکانی بستگی دارد) با یکدیگر متفاوت است (۵). همچنین رفتار جنسیتی اصولاً از هویت جنسیتی نشأت می‌گیرد تا جایی که در کتب و منابع حقوقی از هویت جنسیتی در قالب دو معنای کاملاً مجزا، اما مرتبط با یکدیگر به شرح ذیل سخن به میان می‌آید:

۱- «هویت جنسیتی (Gender Identity)» به معنای احساس درونی شخص از مردبودن، زن‌بودن، ترکیب جزئی مذکر و مؤنث‌بودن، یا نه مذکر و نه مؤنث‌بودن (خنثی‌بودن) اطلاق می‌شود.

۲- «رفتار جنسیتی (Gender Expression)» که به آشکارسازی جسمی و رفتاری هویت جنسیتی یک فرد اشاره دارد. در اواخر قرن بیستم، جنسیت (Gender) به خودی خود صرفاً به عنوان مترادف هویت جنسیتی (Gender Identity) مورد استفاده قرار می‌گرفت (۳). با این حال، رفتار جنسیتی مقوله‌ای کاملاً مجزا از هویت جنسیتی است. رفتار جنسیتی به رفتارهایی گفته می‌شود که باعث می‌گردد در جامعه افراد را زنانه یا مردانه دانست. پوشش، آرایش، اصلاح مو، صحبت کردن، راه رفتن و... مواردی هستند که به عنوان رفتار جنسیتی شناخته می‌شود (۶). رفتار جنسیتی نیز وابستگی مستقیمی به فرهنگ و عرف دارد و نمی‌توان برای آن یک چارچوب جهانی و کلی در نظر گرفت که از آن به عنوان نقش‌های جنسیتی نیز یاد می‌شود.

بر این اساس و با توجه به ویژگی‌های طبیعی هر یک از انسان‌ها و تطبیق آن با تعاریف بیان‌شده در خصوص هویت جنسی، هویت جنسیتی و رفتار جنسیتی، بایستی به این مسأله بپردازیم که چه ویژگی‌هایی در یک شخص تراجنسیتی

فرهنگی و روانی است. در این دوگانگی، اصطلاحات زن و مرد فقط به اشکال بیولوژیکی (هویت جنسی) مربوط می‌شود، در حالی که اصطلاحات مردانه/ مردانگی، زنانه/ زنانگی، زن/ دختر و مرد/ پسر تنها به خصوصیات روان‌شناختی و فرهنگی - اجتماعی (هویت جنسیتی) مربوط می‌شوند (۳). به عبارتی دیگر هویت جنسی با ابعاد بیولوژیکی مردانگی و زنانگی فرد محدود می‌شود و هویت جنسیتی به صفات و ویژگی‌های اجتماعی دو جنس اطلاق می‌گردد. بین «جنس» و «جنسیت» تفاوت‌های معناداری وجود دارد که منشأ آن را باید در فرهنگ یافت. «جنس» به تفاوت‌های زیست‌شناختی و طبیعت زن و مرد اشاره دارد و «جنسیت» ویژگی‌های شخصیتی - روانی است که جامعه آن‌ها را تعیین می‌کند. به عبارتی دقیق‌تر، جنس مجموعه‌ای از صفات بیولوژیک و جنسیت مجموعه‌ای از صفات اکتسابی، فرهنگی، روان‌شناختی و اجتماعی می‌باشد (۸). حال آنکه با وجود این وجوه تمایز آشکار میان هویت جنسیتی و هویت جنسی، در صورتی که یک فرد هویت جنسیتی همسو با هویت جنسی خود داشته باشد، تراجنسیتی محسوب نمی‌گردد. لازم به ذکر است افرادی که دلیل دارا بودن هر دو اندام تناسلی مذکر و مؤنث یا فاقد اندام تناسلی، از دایره این مرزبندی خارج می‌شوند که به آن‌ها دوجنسی (Hermaphrodite) و یا خنثی مشکل می‌گویند.

۲-۱-۲. مخالفت هویت جنسیتی با رفتار جنسیتی: با توجه به اینکه رفتار جنسیتی تابعی از هویت جنسیتی اشخاص است، بنابراین برای شناسایی یک فرد به عنوان تراجنسیتی، علاوه بر تعارض میان هویت جنسیتی با هویت جنسی، ضرورت وجود تعارض میان هویت جنسی با رفتار جنسیتی وی نیز اجتناب‌ناپذیر است. در این صورت است که می‌توان به این نتیجه رسید فرد به طور قطع تراجنسیتی می‌باشد. بر این اساس، اصطلاح تراجنسیتی شامل افرادی است که از یک طرف بین هویت جنسی و از طرف دیگر، هویت جنسیتی و رفتار جنسیتی آنان تضاد وجود داشته باشد. به عنوان مثال شخصی که اندام جنسی زنانه دارد، اما در ذهن خودش را مرد می‌داند و رفتار جنسیتی مردانه دارد. به عبارتی

دیگر، در صورتی که جنس شخص با جنسیت و رفتار جنسیتی وی هماهنگ باشد و یا به عبارتی دیگر، به فردی که جنس، جنسیت و رفتار جنسیتی مطابق با همدیگر دارد، دارنده جنسیت همسو (Cisgender) گفته می‌شود؛ فردی که اندام جنسی ذکور دارد، در ذهن و باور خود را مرد می‌داند و بر اساس شرایط حاکم بر جامعه و محیط زندگی‌اش، رفتار جنسیتی مردانه دارد که به این فرد دارنده جنسیت همسو (همسوجنسیت) یا سیسجندر می‌گویند. در مقابل اصطلاح همسوجنسیت، اصطلاح «تراجنسیتی» قرار دارد (Transmen).
۲-۲. شناسایی خاص تراجنسیتی‌ها: تراجنسیتی‌ها به دو دسته تقسیم می‌گردند:

۲-۲-۱. مردان ترنس (Transmen): به اشخاصی گفته می‌شود که در بدو تولد با اندام زنانه متولد گردیده، اما خودشان را مذکر قلمداد می‌نمایند و در جامعه نیز همچون مردان زندگی می‌نمایند. این افراد خواهان تغییر جنسیت از زن به مرد هستند و به آن‌ها مردان ترنس (Female To Male or FTM) نیز گفته می‌شود (۹). مطابق ارزیابی و تخمین‌های مراجع رسمی تعداد تولد این اشخاص، یک نفر از هر صد هزار نفر (۱۰) می‌باشد و برآوردهای غیر رسمی حکایت از وجود یک نفر در میان هر سی هزار نفر دارد (۱۱)، از جمله نشانه‌های این دسته از تراجنسیتی‌ها، انتخاب یک نام پسرانه (برخلاف هویت جنسی زمان تولد)، انتخاب دوستان از میان جنس مخالف (مطابق با هویت جنسیتی خویش)، تنفر از اندام جنسی خود، آرزوی تولد دوباره و داشتن یک جنسیت جدید یا امید به وقوع معجزه‌ای برای تغییر اندام موجود می‌باشد (۱۲).

۲-۲-۲. زنان ترنس (Transwomen): به اشخاصی گفته می‌شود که در بدو تولد با اندام مردانه متولد می‌گردند، اما خودشان را مؤنث قلمداد می‌نمایند و در جامعه نیز همچون زنان زندگی می‌کنند. این افراد خواهان تغییر جنسیت از مرد به زن هستند و به آن‌ها زنان ترنس (Male to Female or MTF) نیز گفته می‌شود (۹). آمار تولد این اشخاص مطابق ارزیابی و تخمین‌های مراجع رسمی یک نفر از هر سی هزار

نفر (۱۰) و برآوردهای غیر رسمی دلالت بر یک نفر در میان هر ده الی دوازده هزار نفر دارد (۱۱).

از جمله نشانه‌های این دسته از تراجنسیتی‌ها، انتخاب یک اسم دخترانه (برخلاف هویت جنسی زمان تولد)، انتخاب دوستان از بین جنس مخالف (مطابق با هویت جنسیتی خویش)، مقاومت در برابر اصلاح موها به شکل پسرانه، تنفر از اندام جنسی خود، الگوگرفتن از دختری بزرگ‌تر از خودش و تمایل به شبیه‌شدن به او، اصرار به خرید وسایلی مانند عروسک و یا زیورآلات زنانه که دلالت بر دخترانه‌بودن دارد، آرزوی تولد دوباره و داشتن یک جنسیت جدید یا امید به وقوع معجزه‌ای برای تغییر اندام موجود می‌باشد (۱۲).

۳. وجوه تمایز میان اشخاص تراجنسیتی از سایر گروه‌ها:

افراد تراجنسیتی علیرغم وجود برخی نقاط مشترک با سایر گروه‌ها، به واسطه تفاوت‌های آشکار در سه ویژگی هویت جنسی، هویت جنسیتی و رفتار جنسیتی از این گروه‌ها قابل تکفیک می‌باشند.

۳-۱. همجنس‌گرایان (Homosexuals): افراد تراجنسیتی

اغلب با همجنس‌گرایان اشتباه گرفته می‌شوند، اگرچه افراد تراجنسیتی با اشخاصی که از نظر اندام جنسی، ساختار بیولوژیکی یکسانی دارند (همجنس‌گرایان) دارای شباهت هستند، اما باید توجه داشت که فرد همجنس‌گرا، جنس زیستی خود را می‌پذیرد و درصدد تغییر آن برنمی‌آید. همچنین با پذیرش نقش‌هایی که اجتماع برای جنس او در نظر گرفته است، تمایل به انجام نقش‌های مربوط به جنس مخالف ندارد. یک زن همجنس‌گرا خود را زنی می‌داند که تمایل دارد ارتباط عاطفی و جنسی با زن دیگر داشته باشد، اما یک فرد تراجنسیتی، نقش‌هایی را که اجتماع بر جنس بیولوژیک او تحمیل می‌کند، نمی‌پذیرد. یک مرد تراجنسیتی با وجود اندام‌های جنسی زنانه، خود را مردی می‌داند که تمایل به پوشیدن لباس زنانه، آرایش زنانه، رفتار زنانه، داشتن شغل‌های زنانه و... ندارد و به طور غریزی تمایل دارد که با یک زن ارتباط عاطفی و جنسی داشته باشند، اما در مقابل یک زن همجنس‌گرا با داشتن اندام‌های جنسی زنانه، خود را زنی

می‌داند که تمایل به پوشیدن لباس زنانه، آرایش زنانه، رفتار زنانه، داشتن شغل‌های زنانه و... دارد و با این وجود تمایل به ارتباط با زن دیگری دارد (۱۳).

۳-۲. مبدل‌پوشان (Transvestite): افراد تراجنسیتی

اغلب با مبدل‌پوشان نیز اشتباه گرفته می‌شوند. در واقع افراد تراجنسیتی نسبت به کسانی که لباس جنس دیگر را می‌پوشند (مبدل‌پوشان) تشابه دارند، اما مبدل‌پوشان، تمایلی به تغییر جنسیت خود ندارد. منظور از مبدل‌پوش، شخصی است که به طور معمول تمایل به پوشیدن لباس‌ها، سبک آرایشی و پیرایشی و یا استفاده از زیورآلاتی دارد که از نظر فرهنگی و اجتماعی متعلق به جنسیت مخالف است (به عنوان مثال مردانی که مانند زنان لباس می‌پوشند). این کار نوعی بیان جنسیتی است و برای سرگرمی انجام می‌شود. افراد مبدل‌پوش تمایلی ندارند که جنس خود را تغییر دهند و یا به طور دائم در قالب جنسیت مخالف زندگی کنند. بنابراین می‌توان گفت در حالی که تعداد زیادی از افراد تراجنسیتی، مبدل‌پوش هستند، همه مبدل‌پوشان، تراجنسیتی نیستند. برخی از مردان ناهمجنس‌خواه (Heterosexual) برای شور و هیجانات جنسی، لباس جنس دیگر را می‌پوشند و زنان نیز ممکن است برای تفریح، لباس مردانه بپوشند که مشمول تعریف افراد تراجنسیتی نمی‌شوند.

۳-۳. افراد میان‌جنسی (Intersex) و دوجنسی

(Hermaphrodite): میان افراد تراجنسیتی و افراد بیناجنسی یا میان‌جنسی (Intersex) و دوجنسی (Hermaphrodite) وجه تمایز وجود دارد، به طوری که افراد میان‌جنسی گروهی هستند که هر دو اندام جنسی و ارگان‌های مردانه و زنانه را دارند خواه کامل یا ناقص، اما افرادی که هر دوی اندام جنسی مردانه و زنانه را به صورت کامل داشته باشند، دوجنسی گفته می‌شود. غالباً در ایران به صورت اشتباه به همه افراد میان‌جنسی، دوجنسی گفته می‌شود، البته در فقه اسلامی صرفاً از اصطلاح «خنثی» برای اشاره به افراد فوق‌الذکر استفاده شده است، اگرچه در تعریف خنثی، میان فقها دیدگاه یکسان وجود ندارد، ولی با توجه به شواهد و مصادیق خارجی آن

می‌توان گفت: خنثی عبارت از فردی است که دارای هر دو آلت تناسلی و یا اساساً فاقد آلت تناسلی است. در برخی از روایات اسلامی و منابع فقهی اسلام به افراد خنثی اشاره و احکام فقهی آنان مانند ارث بیان گردیده است. به عبارتی دقیق‌تر، بیشترین بحث فقهی درباره این اشخاص در «کتاب ارث» مورد بررسی قرار گرفته است. مقنن در قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷، با استفاده از واژه فقهی «خنثی»، حقوق مشخصی را برای افراد میان‌جنسی در نظر گرفته است. ماده ۹۳۹ قانون مدنی درباره چگونگی تقسیم سهم‌الارث در صورتی که یکی از وراث میان‌جنسی باشد صحبت می‌کند. این امر که در قانون برای افراد میان‌جنسی حق و حقوقی در نظر گرفته شده، دلالت بر این دارد که افراد میان‌جنسی، تا حدی در قانون ایران به رسمیت شناخته شده‌اند (۱۴). حال با توجه به وجوه تمایز گسترده اشاره شده میان مردان و زنان جامعه با اشخاص تراجنسیتی، آیا می‌توان برای اشخاص تراجنسیتی قائل به هویت مستقلی غیر از مذکر و مؤنث (جنسیت سوم) گردید؟ پاسخ به این سؤال مستلزم بررسی آخرین یافته‌های علمی، بررسی رویکرد فقه پویای شیعه و حقوق داخلی و نظام بین‌المللی حقوق بشر در این خصوص می‌باشد.

۴. یافته‌های علمی نسبت به شناسایی جنسیت سوم: مفهوم‌سازی هویت تراجنسیتی‌ها به عنوان یک اختلال روانی باعث شده است تا وضعیت حقوقی نادرست، نقض حقوق بشر و موانعی در مراقبت‌های بهداشتی مناسب برای آنان به وجود آید. همان‌گونه که بیان شد، برای تبیین شاخه پیشنهادی مربوط به هویت تراجنسیتی‌ها در طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌های آینده سازمان جهانی بهداشت (Who's Forthcoming International Classification of Diseases (ICD)-11)، حذف دسته‌بندی مربوط به هویت تراجنسیتی‌ها از طبقه‌بندی اختلالات روانی شایسته توجه است، زیرا مبنای این اقدام تا حدودی بر این عقیده مبتنی است که داده‌های حاصل از وضعیت تراجنسیتی‌ها نمی‌تواند الزامات تعریف‌شده سازمان جهانی بهداشت برای قرارگرفتن در طبقه‌بندی اختلالات روانی را برآورده نماید. دستورالعمل تشخیصی پیشنهادی ICD-11 سازمان جهانی بهداشت نشان

می‌دهد که پریشانی و اختلال عملکرد در عدم رضایت از محیط‌های اجتماعی رخ می‌دهد و افراد دارای ناسازگاری جنسیتی در معرض خطر ابتلا به روان‌پریشی، انزوای اجتماعی، ترک تحصیل و از دست‌دادن شغل قرار دارند و از آنجایی که پریشانی و آشفتگی به عنوان ویژگی‌های عارضی اختلالات روانی تلقی می‌گردد، این علائم را نمی‌توان به مثابه ویژگی‌های ذاتی هویت تراجنسیتی‌ها تلقی نمود. به بیانی دیگر، برخی بر این باورند که پریشانی و اختلال در تراجنسیتی‌ها از تجارب طرد اجتماعی و خشونت ایجاد می‌شود و نه از ویژگی‌های ذاتی آن‌ها (۱۵). با این حال، در مواردی این‌گونه افراد با مراجعه به روان‌پزشک، معالجه شده و شخص هویت جنسی فعلی خویش را می‌پذیرد، اگرچه بر اساس شواهد و قرائن، و نیز به عقیده روان‌پزشکان، در اغلب موارد این‌گونه افراد از طریق روان‌پزشکی قابل معالجه نیستند و در صورت عدم موافقت والدین آن‌ها با تغییر جنس، دست به خودکشی می‌زنند. با وجود اینکه حدود ۷۰ درصد مردها و ۸۰ درصد زن‌هایی که تحت درمان با جراحی قرار می‌گیرند، پس از درمان احساس رضایت می‌کنند، اما خودکشی میان همین افراد نیز تا ۲ درصد گزارش شده است (۱۴). از آنجایی که اختلال هویت جنسیتی ابعاد جسمی و روحی فرد تراجنسیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فردی که هنوز دست به عمل نزده است از اندام خود به شدت ناراضی بوده و خواهان تغییر تمام اندامی است که جنس وی را مشخص می‌کنند، این فرد پیش از هورمون درمانی و عمل تغییر جنسیت از صدا، ظاهر، پوشش، نقش جنسی و اندام تناسلی خود ناراضی است و خواهان سازگاری این اندام با جنسی است که خود را متعلق به آن می‌داند. هرچه میزان نارضایتی از این اندام بیشتر باشد، سازگاری کمتری با خود و آن اندام دارد که موجب می‌شود فرد رفتاری متناسب با انتظار جامعه نداشته باشد و موجب دریافت برچسب، اذیت و آزار و مشکلات دیگر شده و وی را به مرحله خودکشی بکشاند. بدین ترتیب هرچه اختلال هویت جنسیتی فرد بیشتر باشد، دغدغه‌های وی در سطح ابتدایی زندگی باقی مانده و کیفیت زندگی پایینی خواهد داشت و هرچه سازگاری اندامش با آن جنسی که خود را متعلق به آن

می‌داند، بیشتر باشد، سطح نیازهای فرد بالاتر رفته و کیفیت زندگی وی ارتقا می‌یابد. با توجه به نتایج به دست‌آمده، یکی از عمده دلایل کاستن از اختلال هویت جنسیتی و افزایش کیفیت زندگی، تسریع در روند کسب هویت جنسیتی واقعی، فرد تراجنسیتی می‌باشد، زیرا با به دست‌آوردن خود واقعی، فرد مبتلا به اختلال هویت جنسیتی به آرامش روانی دست یافته، رفتارهایش با جنس وی هماهنگ می‌گردد. کسب هویت جنسی جدید، ارتباطات وی را با اجتماع و دیگران ترمیم می‌کند و فرد مبتلا به اختلال هویت جنسی با حضور خود در اجتماع و کسب وجهه و جایگاه اجتماعی و گذر از نیازهای اولیه به زندگی عادی دست پیدا می‌کند (۱۶).

این نکته را باید در نظر داشت که اوایل سال ۲۰۱۹ مطابق نسخه ۱۱ دستورالعمل سازمان جهانی بهداشت در طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌های آینده، تلقی تراجنسیتی‌ها به عنوان بیماران اختلال روانی نادرست تشخیص داده شد (۱)، چراکه به عقیده کارگروه طبقه‌بندی اختلالات و سلامت جنسی (ICD-11)، اکنون بایستی مدل آسیب‌شناسی روانی افراد تراجنسیتی را طبق مفهوم‌سازی دهه ۱۹۴۰ درباره انحراف جنسی کنار بگذاریم و به سمت الگویی حرکت نماییم که: ۱- بازتاب بیشتری از شواهد علمی کنونی و بهترین سازوکارها را داشته باشد؛ ۲- پاسخگویی بیشتری نسبت به نیازها، تجارب و حقوق بشر این گروه آسیب‌پذیر داشته باشد؛ ۳- حمایت‌گری بیشتری از مقررات مربوط به خدمات مراقبت‌های بهداشتی در دسترس و با کیفیت بالا داشته باشد (۱۷)، در نسخه ۱۱ این دستورالعمل اشخاص تراجنسیتی نیز به جای قرارگرفتن در دسته «بیماری‌های روانی» در دسته «وضعیت سلامت جنسی» قرار دارند که این تغییر از اول ژانویه ۲۰۲۲ به صورت رسمی و قانونی اجرایی گردید (۱). در این راستا سازمان جهانی بهداشت عنوان می‌دارد: «اگرچه با وجود ضرورت کدگذاری تراجنسیتی‌ها در لیست ICD برای دستیابی به خدمات بهداشتی و درمانی، وضعیت این افراد کماکان در این لیست باقی می‌ماند، اما با وجود شواهد بارز، پرواضح است که ترنس‌بودن یک اختلال روانی نیست و استمرار این دسته‌بندی

موجب ایجاد لکه ننگی اجتماعی نسبت به افراد تراجنسیتی می‌شود» (۱۸).

۵. رویکرد فقهی نسبت به شناسایی جنسیت سوم: از منظر فقه شیعه در رابطه با شناسایی تراجنسیتی‌ها به عنوان جنسیت مستقل میان فقها اختلاف عقیده وجود دارد. علمایی همچون شیخ انصاری و یا فقهای معاصر همچون آیت‌ا... خوبی عقیده بر وجود جنسیت سوم برای خنثی ندارند و این افراد را تحت یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث قلمداد می‌نمایند (نظریه مشهور)، در حالی که علمایی همچون آیت‌ا... مشکینی از جنسیت سوم برای خنثی‌ها دفاع کرده‌اند و معتقدند: خنثی نه حقیقتاً مرد است و نه حقیقتاً زن، و بعید نیست که یک انسان، مصداق حقیقی دو صفت مذکر و مؤنث بوده و در واقع، هم مذکر و هم مؤنث باشد (۸). در تقویت این دیدگاه، باید به این نکته نیز توجه داشت که مثلاً یک مرد تراجنسیتی دارای رحم بوده و قابلیت باروری به عنوان زن را داراست و از سوی دیگر هویت جنسیتی مردانه دارد و خودش را مرد می‌داند و در صورت تغییر جنسیت، توان باروری خویش را از دست خواهد داد، بنابراین تعارض موجود دلالت بر هویت جنسیتی سوم را دور از ذهن نمی‌نماید. بنابراین چنانچه به وجود «جنسیت سوم برای خنثی‌ها» قائل باشیم، اگر عمل جراحی بر عضو تناسلی آنان صورت پذیرد، این عمل مصداق تغییر جنسیت است، نتیجه آنکه تغییر جنسیت شامل تغییر خنثی به مرد یا زن و برعکس آن نیز می‌گردد و در تعریف تغییر جنسیت می‌توان گفت: تغییر جنسیت عبارت است «تبدیل جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث» یا از مؤنث به مذکر، یا از خنثی به مذکر، یا از خنثی به مؤنث، یا از مذکر به خنثی یا از مؤنث به خنثی (۱۴) و همان‌گونه که کشورمان با توجه به فتوای امام خمینی (ره) در زمینه عدم حرمت تغییر جنسیت، نه‌تنها در میان کشورهای اسلامی، بلکه در میان بسیاری از کشورهای دنیا سرآمد و در زمره پیشگامان جواز تغییر جنسیت برای اشخاص تراجنسیتی می‌باشد، اتکا به فقه پویای شیعه و فتاوی علمای قائل به شناسایی جنسیت سوم می‌تواند

شرایط و وضعیت جدیدی را در وضعیت حقوقی اشخاص تراجنسیتی رقم زند.

۶. رویکرد حقوق داخلی نسبت به شناسایی جنسیت مستقل: در حقوق داخلی تاکنون جنسیت مستقل برای اشخاص تراجنسیتی در نظر گرفته نشده است و مقنن حقوق و تکالیف اشخاص را در قالب مؤنث و یا مذکر مورد تصریح قرار داده است. با این حال، در حقوق داخلی جمهوری اسلامی ایران با الهام از فقه پویای شیعه و در جهت حمایت از اشخاص تراجنسیتی، حسب مورد احوال شخصیه اشخاص تراجنسیتی و وضعیت حقوقی و کیفری آنان در قالب خنثی روانی تشریح شده است تا جایی که از منظر کیفری امکان اعمال قاعده درا نسبت به اشخاص تراجنسیتی وجود دارد. همچنین قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، با تعیین تکالیف مخصوص برای سازمان‌های دولتی از جمله قوه قضاییه، نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، صدا و سیما، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و برخی سازمان‌های دیگر، چارچوب مشخصی را جهت حمایت از اشخاص تراجنسیتی زیر ۱۸ سال (کودکان و نوجوانان) به وجود آورده است. همچنین در سال‌های اخیر، تقدیم لایحه دولت به مجلس شورای اسلامی با عنوان «لایحه حمایت از حقوق افراد مبتلا به اختلالات روانی» حتی با وجود اینکه به لحاظ ایرادات وارد بر عنوان لایحه و برخی مفاد آن تاکنون تصویب نگردیده است، ولیکن فی‌النفسه دلالت بر توجه حاکمیت به حمایت از اشخاص تراجنسیتی دارد.

در نهایت، سند ملی حقوق کودک و نوجوان نیز به عنوان یکی از قوانین ارزشمند جهت حمایت از کودکان و نوجوانان تراجنسیتی است که در جلسه ۸۰۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۱ مورد تصویب و در مورخ ۱۴۰۰/۶/۲ توسط رئیس‌جمهور به کلیه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها ابلاغ شده است. ماده ۴ این سند به عنوان اقدامی بدیع در قوانین داخلی کشور به «حق هویت» کودکان و نوجوانان پرداخته و در بند ۴ این ماده بیان می‌دارد: «کودک و

نوجوان حق آشنایی با ارزش‌ها و نقش‌های جنسیتی خویش را دارا است و باید به او برای پاسداری از این ارزش‌ها کمک شود» (۱۹). بر این اساس، سند موصوف در گامی رو به جلو حق آشنایی کودکان و نوجوانان تراجنسیتی با نقش‌های جنسیتی خویش را در ذیل عنوان حق هویت شناسایی و به رسمیت شناخته است. با این حال، همان‌گونه که بیان شد، حقوق داخلی تاکنون جنسیت سوم و مستقلی را برای اشخاص تراجنسیتی شناسایی ننموده است.

۷. رویکرد نظام بین‌المللی حقوق بشر نسبت به شناسایی جنسیت سوم: نظام بین‌المللی حقوق بشر تکالیف پیشگیرانه، نظارتی و هدایتی را بر عهده دولت‌ها قرار داده تا گام‌های رو به جلو و مؤثرتری را برای حمایت از اشخاص تراجنسیتی بردارد. با وجود اینکه اسناد عام و خاص مربوط به اشخاص تراجنسیتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نهادهای بین‌المللی برآمده از منشور ملل متحد و سایر معاهدات، سازوکارهای مختلفی را جهت حمایت از حقوق بشر اشخاص تراجنسیتی پیش‌بینی نموده است با این حال، عمده حمایت از شناسایی جنسیت سوم از سوی برخی دولت‌ها به بعد از اعلام نسخه ۱۱ دستورالعمل تشخیصی سازمان جهانی بهداشت برمی‌گردد و در حال حاضر تعداد اندکی از کشورها قائل به وجود جنسیت سوم برای اشخاص تراجنسیتی شده‌اند. به عبارتی دیگر، با وجود یافته‌های علمی سازمان جهانی بهداشت، طی سال‌های اخیر رویکرد برخی از کشورها به طور آهسته و با شناسایی جنسیت سوم نسبت به اشخاص تراجنسیتی در حال تغییر است. مجمع پارلمانی شورای اروپا که ۴۷ کشور عضو دارد، متعاقب قانونگذاری کشور مالت در شناسایی جنسیت سوم، با صدور قطع‌نامه شماره ۲۰۴۸ در این مجمع از «ظهور حق بر هویت جنسیتی» استقبال نموده است. محتوای این حق به عنوان «حق به رسمیت شناختن هویت جنسیتی افراد و حق درمان و حق شناسایی مطابق با این هویت» تعیین گردیده است. در این راستا، مجمع از کشورهای عضو می‌خواهد که با به کارگیری سازوکار سریع، قابل دسترس و شفاف، شناسایی جنسیت قانونی را در اسناد

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه در نسخه ۱۱ دستورالعمل تشخیصی سازمان جهانی بهداشت جای قرارگرفتن اشخاص تراجنسیتی از دسته بیماری‌های روانی به دسته وضعیت سلامت جنسی تغییر یافت و این تغییر از اول ژانویه ۲۰۲۲ (سال جاری میلادی) به صورت رسمی عملیاتی گردیده و نتیجه اجرایی‌شدن دسته‌بندی جدید، دستکم عدم معرفی کودکان تراجنسیتی به عنوان بیماران اختلال روانی است. مبنای این اقدام تا حدودی بر این عقیده مبتنی است که داده‌های حاصل از وضعیت تراجنسیتی‌ها نمی‌تواند الزامات تعریف‌شده سازمان جهانی بهداشت برای قرارگرفتن در طبقه‌بندی اختلالات روانی را برآورده نماید. دستورالعمل تشخیصی سازمان جهانی بهداشت نشان می‌دهد که پریشانی و اختلال عملکرد در عدم رضایت از محیط‌های اجتماعی رخ می‌دهد و افراد دارای ناسازگاری جنسیتی در معرض خطر ابتلا به روان‌پریشی، انزوای اجتماعی، ترک تحصیل و از دست‌دادن شغل قرار دارند و از آنجایی که پریشانی و آشفتگی به عنوان ویژگی‌های عارضی اختلالات روانی تلقی می‌گردد، این علائم را نمی‌توان به مثابه ویژگی‌های ذاتی هویت ترنس‌ها تلقی نمود. به بیانی دیگر، پریشانی و اختلال در ترنس‌ها از تجارب طرد اجتماعی و خشونت ایجاد می‌شود و نه از ویژگی‌های ذاتی آن‌ها، حال آنکه نتیجه محتوم پذیرش آخرین دستاورد علمی کارگروه طبقه‌بندی اختلالات و سلامت جنسی سازمان جهانی بهداشت در رابطه با اشخاص تراجنسیتی و تحقق حقوق حاصل از این دستاورد، مستلزم شناسایی جنسیت سوم و ایجاد آثار حقوقی کاملاً جدید و متمایز با وضعیت حقوقی موجود در کشور می‌باشد. مقوله‌ای که طی سال‌های اخیر در برخی از کشورها به رسمیت شناخته شده است. البته قبل از شناسایی جنسیت سوم توسط برخی از کشورها، در جمهوری اسلامی ایران مباحث فقهی در این خصوص وجود داشته و علمایی همچون آیت‌ا... مشکینی از شناسایی جنسیت سوم برای خنثی‌ها دفاع کرده‌اند. آیت‌ا... مشکینی در دفاع از جنسیت سوم برای خنثی‌ها معتقدند: «خنثی نه حقیقتاً مرد است و نه حقیقتاً زن

رسمی اشخاص (مانند شناسنامه صادرشده توسط دولت، گواهی‌های تولد، مدارک تحصیلی) بر اساس جنسیت خودمعرف فرد اعمال کنند. علاوه بر این، تشخیص قانونی جنسیت نمی‌تواند به درمان یا تشخیص پزشکی قبلی وابسته باشد و از کشورهای عضو خواسته شده است تا محدودیت‌های قانونی افراد تراجنسیتی را برای ماندن در ازدواج‌های موجود برطرف کنند و همچنین گزینه‌های «جنسیت سوم» را در اسناد شناسایی در نظر بگیرند (۲۰). تأثیر قطع‌نامه‌های مجمع را می‌توان در حکم عالی‌ترین دادگاه حقوقی و کیفری آلمان ملاحظه نمود که به موجب آن در صورتیکه یک زن تراجنسیتی (Transsexual Woman) قبل از تغییر جنسیت برای بچه‌دارشدن از همسرش (مؤنث) از بانک اسپرم خود استفاده نماید، به لحاظ قانونی هویت وی نمی‌تواند به عنوان مادر طفل ثبت شود. دادگاه فدرال (The Federal Court of Justice)، درخواست تجدیدنظر ارائه‌شده به دادگاه بدوی توسط زن تراجنسیتی که قصد داشت هویت خود را به عنوان مادر دوم طفل - که در سال ۲۰۱۵ متولد شده بود - رد و این‌گونه استدلال نمود که تنها زنی می‌تواند مادر قانونی طفل محسوب شود که او را به دنیا آورده است (مادر طبیعی). در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۸، دادگاه حکم مشابهی را در خصوص پرونده یک مرد تراجنسیتی (Transsexual Man) صادر نمود که طفلی به دنیا آورده بود و می‌خواست به عنوان پدر قانونی وی قلمداد شود. دادگاه در حکم خود بیان داشت که هرچند حقوق و وظایف یک شخص تراجنسیتی، به جنسیت جدیدش بستگی دارد، اما رابطه حقوقی او با فرزندانش بدون تغییر باقی می‌ماند. با این وجود، در ماه نوامبر همین سال، دادگاه قانون اساسی آلمان (Germany's Constitutional Court) به شناسایی دسته سوم جنسیت برای افرادی که نه به عنوان مرد و نه به عنوان زن قابلیت شناسایی را دارند و یا با آناتومی جنسی مبهم متولد می‌شوند، حکم داد (۲۱).

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

و بعید نیست که یک انسان، مصداق حقیقی دو صفت مذکر و مؤنث بوده و در واقع، هم مذکر و هم مؤنث باشد»، البته حتی در صورت فراهم بودن جواز فقهی و حقوقی، به طور حتم شناسایی جنسیت سوم در جامعه بدون سنجش پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن چالش‌برانگیز خواهد بود. بنابراین با توجه به رویکرد علمی موضوع نسخه ۱۱ دستورالعمل تشخیصی سازمان جهانی بهداشت و با لحاظ تأثیر انکارناپذیر حقوق بین‌الملل و نظام بین‌المللی حقوق بشر بر حقوق داخلی و تمایل ولو آهسته، ولیکن رو به تزاید دولت‌ها در شناسایی جنسیت سوم و با آگاهی از ظرفیت‌های موجود در فقه پویای شیعه از جمله فتوای آیت‌ا... مشکینی، به نظر در موقعیت کشوری پیشگام از هم‌اکنون می‌بایست سرفصل‌های جدیدی از مطالعات فقهی حقوقی در رابطه با ابعاد مختلف شناسایی جنسیت سوم برای اشخاص تراجنسیتی را با لحاظ آسیب‌شناسی فرهنگی - اجتماعی آن آغاز نمود.

این مقاله برگرفته از بخشی از یافته‌های رساله دکتری با عنوان «حمایت از حقوق تراجنسیتی‌ها در نظام بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر تعهدات جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

سجاد باقرزاده: نگارش و ویراستاری مقاله.
 محمود عباسی: نظارت بر جمع‌آوری داده‌ها.
 حسین شریفی طرازکوهی: نظارت بر تهیه مقاله.
 نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

References

1. ICD-11 for Mortality and Morbidity Statistics. 2019. Ver.4. Available at: <http://www.who.int/icd/entity/334423054>. Visited April 1, 2020.
2. Falahati L. Attitudes towards gender roles in relation to ethnicity and gender. *Journal of Iranian Cultural Research*. 2016; 9(1): 33-59. [Persian]
3. Merriam-Webster Inc. Dictionary. Springfield & Massachusetts. Online Dictionaries, 2021; Available at: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/transsexual&gender>. Visited January 21, 2020.
4. McDermott R, Hatemi P. Distinguishing Sex and Gender. *Political Science and Politics*. 2011; 44(1): 89-92.
5. Stryker S. *Transgender History*. Berkeley: Seal Press; 2008. p.11.
6. National Center for Transgender Equality. *Understanding Transgender People: The Basics*. 2016. Available at: <https://www.transequality.org/issues/resources/understanding-transgender-people-the-basics>. Visited April 1, 2020.
7. Meyer E. *Designing Women: The Definition of Woman in the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women*. Chicago *Journal of International Law*. 2016; 16(2): 553-590.
8. Karimi Niya MM. A Review of the Quranic Evidences on the Rule of Sex Change and Its Jurisprudential Effects. *Quran Islamic Jurisprudence and Law*. 2017; 6(1): 109-146. [Persian]
9. Roozbehani MR, Kavand Boroujerdi A. *Jurisprudential and legal study of gender reassignment from the perspective of Islamic and Western thinkers*. 1st ed. Tehran: Ava Book Publishing; 2015. p.47-48. [Persian]
10. *Protecting Human Rights of Transgender Persons, A short guide to legal gender recognition*. Strasbourg: Council of Europe; 2015. p.5.
11. Burke BC. No Longer the Ugly Duckling: The European Court of Human Rights Recognizes Transsexual Civil Rights in *Goodwin v. United Kingdom* and Sets the Tone for Future United States Reform; 64 La. L. Rev.643. 2004. p.645.
12. Alikhani Z. What is Trans? How to identify a Trans child? Internet Cite; 2017. Available at: <https://www.camanweb.com/mother-and-babay/baby-trance>. Visited January 22, 2020. [Persian]
13. Razavi P. The role of sex change in transsexual victims. M.Sc. Thesis in Criminal Science and Criminology. Qom: Mofid University; 2014. p.1-2. [Persian]
14. Karimi Niya MM. Sex changes from the perspective of jurisprudence and law. The Jurisprudential Center of the Aeme Athar publication. 2010. p.47, 91-92. [Persian]
15. Robles R, Fresán A, Vega-Ramírez H, Cruz-Islas J, Rodríguez-Pérez V, Domínguez-Martínez T, et al. Removing transgender identity from the classification of mental disorders: A Mexican field study for ICD-11. *The Lancet Psychiatry*. 2016; 3(9): 850-859.
16. Movahed M, Hosseinzadeh Kasmani M. The Comparison between Parented and Unparented Adolescents in Terms of Psychological Hardiness. *Social Welfare Quarterly*. 2011; 12(44): 111-142. [Persian]
17. Drescher J, Cohen-Kettenis PT, Winter S. Minding the body: Situating gender identity diagnoses in the ICD-11. *International Review of Psychiatry*. 2015; 24(6): 568-577.
18. Pickman B, Griggs B. The World Health Organization will stop classifying transgender people as mentally ill. CNN; 2018. Available at: <https://www.edition.cnn.com/2018/06/20/health/transgender-people-no-longer-considered-mentally-ill-trnd/index.html>. Visited January 22, 2020.
19. National Document on the Rights of the Child and Adolescent. Laws and Regulations Portal of Iran. Internet Cite; 2022. Available at: <https://www.wdotic.ir/news/10156>. Visited March 26, 2022.
20. Stephanie K. *Transgender Rights*, International Encyclopedia of Ethics. John Wiley & Sons Ltd; 2019. p.4. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-germany-gender/german-court-rules-against-registering-transsexual-woman-as-a-mother>. 2018. Visited January 22, 2020.